

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مریم
۲۶ می ۲۰۱۴

در هم تنیدگی تجارت مرگ آفرین مواد مخدر با منافع قدرت های امپریالیستی

پس از انتشار خبر دستگیری "الچاپو" رئیس شبکه مافیائی "سینالوآ" در روز شنبه ۲۲ فیبروری ۲۰۱۴ در مکزیک، تبلیغات عوامفریبانه وسیعی از سوی دولت امریکا در رابطه با "مبارزه" ادعائی این دولت با اعتیاد و تجارت مواد مخدر درگرفت. در همین حال درگیری های لفظی میان مقامات دو کشور بر سر استرداد "الچاپو" به امریکا و این که این شخص باید در کدام کشور محاکمه شود، در رسانه ها وسیعاً منعکس شد. (۱) هدف اصلی این سر و صداهای تبلیغاتی چیزی جز تلاش برای پنهان کردن همکاری های تبهکارانه این دو دولت با "الچاپو" و همدستی آن ها در جنایاتی که این رئیس مافیای مواد مخدر علیه زحمتکشان فقیر مکزیک و دیگر کشورهای امریکای مرکزی انجام داده، نیست. ادعای عوامفریبانه دولت امریکا در رابطه با مبارزه با اعتیاد وقتی روشن تر می شود که می بینیم این دولت هر ساله از بودجه برنامه های پیشگیری و ترک اعتیاد کاسته است و هیچ گونه برنامه واقعی و مؤثر برای کاهش اعتیاد و متوقف کردن ورود مواد مخدر به این کشور ندارد. آمار رسمی نیز نشان می دهد که علی رغم قوانین بسیار سختگیرانه ای که علیه تجارت مواد مخدر در امریکا وجود دارد، اعتیاد در این کشور (نسبت به جمعیت آن) از همه کشورهای دنیا بیشتر است و میزان ورود و عرضه غیرقانونی مواد مخدر نیز نه تنها کاهش نیافته، بلکه بیشتر هم شده است.

یکی از دلایل افزایش اعتیاد در جوامع فقیر، نابرابری های اقتصادی - اجتماعی و بیکاری و فقر و بی خانمانی و عدم وجود چشم اندازهای امیدوارکننده برای جوانان است. به عنوان مثال، بر اساس آمار سازمان ملل، بیش از ۵۰ درصد از ۴۵ میلیون جمعیت امریکای مرکزی در فقر شدید به سر می برند که این فقر وحشتناک ناشی از ذات سیستم سرمایه داری و بیش از یک قرن تسلط شبه استعماری امپریالیسم امریکا بر کشورهای منطقه است. بنابراین عامل اصلی اعتیاد، سیستم ظالمانه موجود است. از طرف دیگر، تجارت مواد مخدر یکی از پرسودترین نوع تجارت ها در جهان امروز است که ثروت های هنگفتی را (به قیمت تباهی میلیون ها جوان طبقات زحمتکش) به جیب طبقه سرمایه دار حاکم بر جهان سرازیر کرده است و به خاطر سود بسیار زیاد آن است که طبقات حاکم و دولت های حامی آن ها به تلاش های واقعی برای از بین بردن اعتیاد و متوقف کردن تجارت مواد مخدر دست نمی زنند. بنابراین تجارت مواد مخدر و اعتیاد، بخشی اجتناب ناپذیر از سیستم سرمایه داری را تشکیل می دهد. و از این جهت است که تنها با نابودی کامل سیستم سرمایه داری می توان از شر بیماری های اجتماعی مانند اعتیاد و جنایات ناشی از تجارت مواد مخدر به طور قطعی خلاص شد.

در رابطه با ماهیت واقعی به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" ادعائی دولت امریکا، می توان به گزارش تحقیقاتی مفصلی اشاره کرد که مدتی پیش در روزنامه "یونیورسال" مکزیک، در رابطه با همکاری های دولت امریکا و کارتل "سینالوا" منتشر شد و تا حدودی مختصات این همکاری های تبهکارانه را نشان داد. (۲) "یونیورسال" در تحقیقات چند ساله خود با تکیه بر اسناد رسمی دولت های امریکا و مکزیک و صدها مصاحبه با مقامات این دولت ها نشان داد که به طور مشخص "اداره مبارزه با مواد مخدر" امریکا، "اداره مهاجرت و گمرک" امریکا و همچنین "وزارت دادگستری" آن کشور، در طی ۱۰ سال گذشته به طور مخفیانه با کارتل "سینالوا" همکاری کرده است. "یونیورسال" نشان داده است که یکی از نتایج این همکاری های توطئه گرانه، درگیری های مسلحانه میان کارتل های رقیب و کشتار بی رحمانه هزاران انسان در کشورهای امریکای مرکزی است. جنایاتی که در جهت تمرکز و انحصار تجارت این مواد مرگبار در دستان گروه معدودتری از کارتل های مواد مخدر به وقوع می پیوندد. در گزارش مزبور به عنوان مثال توضیح داده شده که "سینالوا" در ازای به راه انداختن درگیری های مسلحانه با گروه های مافیائی رقیب خود و از میان برداشتن آن ها (که به "جنگ های محرمانه" مشهور شده اند) و همچنین در ازای اطلاعاتی که در رابطه با کارتل های رقیب در اختیار دولت امریکا می گذاشته، آزادانه به تجارت مواد مخدر در کشور های اروپائی و امریکائی پرداخته، و تحت حمایت دولت امریکا از هرگونه مجازات قانونی نیز مصون بوده است. (علی رغم ارتکاب به جرایم بی شماری مانند قتل عام، رشوه خواری، اخاذی، فساد و غیره، علاوه بر قاچاق مواد مخدر)

با توجه به مدارک فاش شده و با مراجعه به اظهارات مقامات دولتی امریکا می توان به روشنی دید که دولت امریکا تحت پوشش به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" و در واقع از طریق معامله با "سینالوا" و نیروهای شبه نظامی جنایتکار تلاش کرده که هژمونی خود را در منطقه مستحکم تر کند. به عنوان مثال، در گزارش "یونیورسال" از قول مأموران سی.ای.ا. گفته شده که معاملات آن ها با مافیای مواد مخدر و به خصوص با کارتل "سینالوا" "برای دستیابی دولت امریکا به منافع و اهداف ژئوپولیتیک خود در منطقه بسیار مفید بوده است." به عنوان مثال می توان به اظهارات "ژانت ناپولیتانو" وزیر امنیت ملی امریکا در سفر سه روزه او به مکزیک و چند کشور امریکای مرکزی در فبروری ۲۰۱۲ اشاره کرد. (۳) او در یک مصاحبه مطبوعاتی در آن سفر گفت که دولت امریکا از تاکتیک های جاسوسی و نظامی که تاکنون در به اصطلاح "مبارزه با تروریسم" به کار گرفته، در مقابله با تجارت مواد مخدر نیز استفاده خواهد کرد. او در پاسخ به پرسش های خبرنگاران در رابطه با برنامه دولت امریکا برای دستگیری "الچاپو"، با تشبیه او به "بن لادن" (که ادعا شد طی یک عملیات ویژه نظامی-جاسوسی امریکا در ماه می ۲۰۱۲ در پاکستان ترور شده) گفت که "با این که ۱۰ سال طول کشید تا توانستیم بن لادن را پیدا کنیم، بالاخره پیدایش کردیم و می دانید که در آن جا چه اتفاقی افتاد. منظورم این نیست که همان اتفاق برای "الچاپو" خواهد افتاد. منظورم این است که وقتی پای خطاکاران در میان است، ما خیلی سمج هستیم." این گونه اظهارات مقامات امریکائی در واقع به این معنا است که دولت امریکا ارتکاب به هر گونه عمل تروریستی و تبهکارانه در داخل خاک دیگر کشورها را حق مسلم خود می داند.

دولت دست راستی مکزیک نیز با پذیرش رسمی ستراتیژی نظامی دولت امریکا (تحت عنوان "جنگ با تجارت مواد مخدر") در سال ۲۰۰۶ و فرستادن بیش از ۴۵ هزار سرباز سراپا مسلح به خیابان ها، و دریافت میلیون ها دالر کمک نقدی و آموزش نظامی و انواع سلاح سنگین از دولت امریکا، نقش مهمی را در ایجاد فجایعی که در جامعه مکزیک به وجود آمد بازی کرده است. سازمان های مدافع حقوق بشر، دولت مکزیک را متهم به آدم ربائی و شکنجه و اعدام های غیرقانونی و کشتار بیش از ۵۰ هزار نفر (که اغلب آنان کارگران و زحمتکشان بی گناه محلات فقیرنشین بودند که محل جولان مافیای مواد مخدر هستند) کرده اند. شدت نارضایتی مردم آگاه مکزیک نسبت به دخالت های نظامی - سیاسی امپریالیسم امریکا تحت پوشش مبارزه با تجارت مواد مخدر، منجر به انعکاس نارضایتی های توده ئی در رسانه

های این کشور نیز شده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۱ که دولت امریکا تعداد زیادی نیروهای نظامی (متشکل از افسران و جنرال های به اصطلاح "بازنشسته" ارتش امریکا) و سلاح و مهمات سبک و سنگین فراوانی را به مکزیک فرستاد، رسانه های مکزیک این حرکت دولت امریکا را نقض قانون اساسی مکزیک و خطری علیه استقلال آن کشور و افزایش سلطه شبه استعماری امریکا بر مکزیک نامیدند.

به گزارش دفتر سازمان ملل برای مبارزه با مواد مخدر، قتل های عام ناشی از درگیری های کارتل های مواد مخدر در کشور های امریکای مرکزی به حد بسیار خطرناک رسیده و سطح آن خیلی بیشتر از آمار جهانی است. بر اساس گزارش مزبور، آمار قتل عام در هندوراس بیش از ۸۲ نفر (از هر صد هزار نفر جمعیت)، ۶۵ نفر در السالوادور، و ۴۰ نفر در گواتمالا، می باشد که نسبت به نرخ به طور متوسط حدود ۷ نفر در سطح جهان خیلی بیشتر است. یک نمونه از این قتل های عام در نتیجه معامله دولت امریکا با کارتل "سینالوا" در اوایل ماه می سال ۲۰۱۲ رخ داد. در آن سال در چندین مورد تعداد زیادی اجساد قطعه قطعه شده در شهر های مختلف مکزیک کشف شدند که شناسایی آن ها غیرممکن بود چون هیچ کدام سر و دست نداشتند. پولیس مکزیک اعلام کرد که دیده نشدن آثار گلوله در اجساد نشان می دهد که بدن قربانیان در حالی که زنده بوده اند قطعه قطعه شده است. این کشتار وحشیانه نتیجه درگیری مسلحانه میان گروه مافیائی "زتاز" (که متشکل از نیرو های ویژه سابق ارتش مکزیک است) و گروه مافیائی "گلف کارتل" (که وابسته به کارتل "سینالوا" و تحت حمایت دولت امریکا است) و رقابت آنان برای کنترل بازار و مسیر های قاچاق مواد مخدر به امریکا بود. ظاهراً یکی از اهدافی که از دست زدن به چنین کشتار فجیعی (و انداختن اجساد در مناطق تحت کنترل گروه های رقیب) دنبال می شود، کشاندن پولیس به آن مناطق و تحت فشار قرار دادن رقباء است. ناگفته نماند که تعدادی از خبرنگارانی که در رابطه با این کشتار و معاملات دولت امریکا و کارتل های مافیائی تحقیق کرده اند، توسط مافیا به قتل رسیده اند. (۴)

بسیاری از قربانیان کارتل های مواد مخدر، کارگران مهاجر کشورهای امریکای مرکزی هستند که برای رفتن به امریکا مسیر خطرناکی را در داخل خاک مکزیک طی می کنند که تحت کنترل گروه های مافیائی نامبرده است. بر اساس آمار مؤسسات غیر دولتی حمایت از مهاجران، سالانه بیش از ۴۰۰ هزار نفر این مسیر را طی می کنند و بسیاری از آنان با هدف گرفتن رشوه از خانواده های شان توسط مافیا ربوده می شوند، و یا به قتل می رسند. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۰ بیش از ۲۰ هزار کارگر مهاجر توسط مافیا ربوده شدند. گفته می شود حدود ۸۰ درصد زنان کارگر مهاجر پیش از رسیدن به خاک امریکا مورد تجاوز افراد این گروه های مافیائی قرار می گیرند. جالب است که بر اساس این گزارشات نیروهای نظامی مکزیک نیز در این جنایات با گروه های مافیائی همدست هستند.

مهمتر از همه، به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" منبع سودآوری برای وال استریت (سرمایه های مالی) امریکا نیز هست. در سال های گذشته اسناد بسیاری در مورد رابطه بانک های امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی با گروه های مافیائی به خصوص کارتل "سینالوا" افشاء شد که نشان داد که عملیات پول شوئی هائی که بانک های امریکائی برای کارتل های مافیائی انجام دادند، منبعی بود برای تأمین و پوشاندن وام های رد و بدل شده بین خود بانک ها و یکی از عواملی بود که برخی از بانک ها را از ورشکستگی در اثر بحران مالی سال ۲۰۰۸ نجات داد. این واقعیت را می توان با نگاهی به ماجرای بانک "واچوویا" بهتر درک کرد. (۵) این بانک در مارچ ۲۰۱۰ در یک دادگاه امریکائی اقرار کرد که از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ از طریق شبکه ای از مراکز مالی مختلف، حدود ۳۷۹ میلیارد دالر (یک سوم تولیدات ناخالص سالانه مکزیک) از درآمد های کارتل "سینالوا" را برای این کارتل به اصطلاح "پول شوئی" کرده است. بانک "واچوویا" که در حال حاضر بخشی از بانک "ولز فارگو" کالیفرنیا است، با پرداخت ۱۶۰ میلیون دالر جریمه به دولت امریکا، از پیگرد قانونی معاف شد. (۶) بر اساس اظهارات "جفری سلومن" (یکی از

مقامات دادستانی دولت امریکا، این جریمه پرداخت شده کمتر از ۲ درصد سودی است که در معامله با "سینالوا" نصیب بانک "واچوویا" شده است. ماجرای بانک "واچوویا" نمونه بسیار کوچکی از واقعیت بزرگتر (و هنوز افشاء نشده) در رابطه با معاملات تبهکارانه دولت ها و مؤسسات مالی امپریالیستی با مافیای تبهکار بین المللی است.

تجارت مواد مخدر نه تنها سالانه میلیاردها دالر سود باد آورده را به جیب صاحبان سرمایه های مالی و بانک های امریکائی سرازیر می کند، بلکه منبع مالی مهمی برای عملیات تروریستی - جاسوسی و دیگر عملیات محرمانه دولت امریکا (در کشورهای مختلف جهان از اندونزی گرفته تا کشورهای امریکای مرکزی و افغانستان) نیز محسوب می شود. بنابراین، می توان به روشنی دید که سیاست "جنگ با تجارت مواد مخدر" ادعائی دولت امریکا هیچ ربطی به مسدود کردن راه های ورود مواد مخدر و یا کاهش مصرف مواد مخدر غیرقانونی در این کشور ندارد. دولت امریکا تحت پوشش "جنگ با تجارت مواد مخدر" همچنین قدرت نظامی خود را در قاره امریکا تثبیت کرده است. ناگفته نماند که این سیاست دولت امریکا تازگی ندارد و آن چه که اکنون در مکزیک در حال وقوع است، در زمان ریاست جمهوری کلینتن نیز در کلمبیا انجام شد. در واقع، دولت امریکا موفقیت در "جنگ علیه تجارت مواد مخدر" را در کاهش اعتیاد و پایان دادن به جنایات گروه های مافیائی نمی داند، بلکه به عکس هرچه تعداد بیشتری کشته شوند و هرچه بیشتر اجساد قطعه قطعه شده کشف شوند، به نفع سیاست ها و منافع واقعی دولت امریکا (و مکزیک) خواهد بود.

از طرف دیگر، دولت امریکا به بهانه "جنگ با تجارت مواد مخدر" در داخل خاک خود این کشور نیز به سرکوب مبارزات و مقاومت های اجتماعی افشار تحت ستم، و کنترل مخالفان دولت (به خصوص هواداران آرمان های طبقه کارگر) و تقویت نیروهای سرکوبگر خود و گسترش مجتمع های صنعتی با استفاده از نیروی کار مجانی زندانیان در زندان ها پرداخته است. (۷)

به طور خلاصه، بعد از حدود ۱۰ سال که از به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" می گذرد و بعد از کشته شدن بیش از ۵۰ هزار نفر از زحمتکشان کشورهای امریکای مرکزی، نه مقدار مواد مخدری که وارد امریکا می شود کاهش یافته و نه قدرت گروه های مافیائی و جنایات فجیع آن ها. واقعیت آن است که آن چه که پشت به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" خوابیده، عرصه دیگری ست که در آن منافع طبقاتی امپریالیست های حاکم بر امریکا (و جهان) برآورده می شود. با توجه به واقعیات ذکر شده، کاملاً مشخص است که هدف نهائی امریکا از به اصطلاح "جنگ با تجارت مواد مخدر" متوقف کردن ورود مواد مخدر به داخل این کشور نیست. هدف امریکا از این معاملات با تبهکاران، حفظ هژمونی امپریالیسم امریکا بر این مناطق است که به قیمت جان فرو دستان این جوامع تمام می شود.

اسفند[حوت] ۱۳۹۲

زیرنویس ها:

(۱) Joaquin Guzman "گُزمان" مشهور به "الچاپو El Chapo" (به معنی کوتوله) رئیس شبکه مافیائی "سینالوا" است که بزرگترین و جنایتکارترین شبکه تجارت مواد مخدر در دنیا است. مجله "فوربز" *Forbes magazine* از "چاپو" به عنوان یکی از ۶۸ نفر از پر قدرت ترین افراد جهان نام برده است. گفته می شود که کارتل "سینالوا" بزرگترین مافیای مواد مخدر در مکزیک است و ۲۵ درصد از مواد مخدر مصرفی در امریکا را وارد این کشور می کند. این گروه مافیائی در ۴۰ کشور مختلف (از کشورهای قاره امریکا گرفته تا اروپای شرقی و استرالیا و جاپان و ایتالیا و پرتغال و اسپانیا و المان و چندین کشور افریقائی) فعالیت می کند و در واقع یک شرکت بین المللی یا کارتل است. این کارتل مافیائی علاوه بر تجارت مواد مخدری مانند کوکائین و ماریجوانا، در تولید و فروش مواد مخدر مصنوعی و کیمیائی نیز دست دارد.

El Universal (۲)

Janet Napolitano (۳)

(۴) بر اساس اظهارات متخصصان پولیس مکزیک، جدا کردن سر از اجساد، جنایت تخصصی کارتل مافیائی "زنار" است که از سربازان و افسران سابق یکی از نیروهای ویژه وابسته به ارتش گواتمالا تشکیل شده است. این نیروی ویژه ارتش گواتمالا "کایبیلز" (Kaibiles) نام داشت که مشهور به تبحر در اعمال وحشیگری و قساوت های حیوانی (شبیبه به ساواک شاه و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی) هستند. تخصص جنایتکارانه این نیروی ویژه در طی بیش از ۱۰ سال شکنجه مخالفان در جنگ داخلی آن کشور به دست آمده است. قطعه قطعه کردن افراد در حالی که هنوز زنده بوده اند، یکی از شکنجه هائی بوده که در مورد زندانیان سیاسی گواتمالا توسط شکنجه گران این نیروی ویژه انجام می شده، که اکنون در کارتل های مواد مخدر نیز به کار گرفته می شود.

(Wachovia Bank) (۵)

Wells Fargo Bank (۶)

(۷) "prison-industrial" complex زندان هائی هستند که توسط سرمایه داران به شکل مجتمع های صنعتی در آمده اند و در آن ها از نیروی کار در واقع مجانی زندانی ها برای تولید بسیاری از کالاهای مصرفی استفاده می شود.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۷۸ ، فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۳